

کانادا

سرشناسه: دسولنیرس، کریستی ال.
عنوان و نام پدیدآور: کانادا/ کریستی ل. دیسولنیر؛ ترجمه حسین بحری.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.: مصور، نقشه.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۰۴۹-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: Canada, c2003.
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۲۳-۱۲۴.
یادداشت: نمایه.
موضوع: کانادا -- سیر و سیاحت
شناسه افزوده: بحری، حسین، ۱۳۵۶، مترجم
رده‌بندی کنگره: F ۱۰۱۲/د ۵ ک ۲ ۱۳۹۱
رده‌بندی دیویی: ۹۱۷
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۳۰۰۷۲۱۸

كانادا

كريستي ل. ديسولنير

ترجمة حسين بحري



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Canada

Kristi L. Desaulniers

Chelsea House, 2003



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

کریستی ل. دیسولنیر

کانادا

ترجمه حسین بحری

چاپ اول

نسخه

زمستان ۱۳۹۱

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۰۴۹ - ۲

ISBN: 978 - 600 - 278 - 049 - 2

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

تومان

فهرست

۸	۱. معرفی کانادا
۱۴	۲. چشم‌اندازهای طبیعی
۳۲	۳. کانادا در گذر زمان
۵۲	۴. چهره‌ها و مکان‌ها
۶۸	۵. دولت
۸۲	۶. اقتصاد
۹۶	۷. زندگی امروزی در کانادا
۱۱۰	۸. آینده کانادا
۱۱۵	نکاتی راجع به کانادا
۱۱۷	گاهشمار
۱۲۳	منابعی برای مطالعه بیشتر
۱۲۵	نمایه



دریاچه موراین در بریتیش کلمبیا بر دامنه رشته کوه‌های سنگلاخی و پوشیده از کاج قرار گرفته و نمایانگر تنوع منابع طبیعی شگرفی است که کانادا از آن برخوردار است. مسافران و جهانگردان از ارزش این کوه‌ها آگاهند که امکان انجام دادن ورزش‌های زمستانی را برایشان فراهم می‌کنند؛ و در هوای گرم تابستان، ارتفاعات آن رهایی از گرمای تابستانی را ممکن می‌سازند.

معرفی کانادا

فرض کنیم شما مشغول پیاده‌روی در راهی پریپچ و خم در یکی از پارک‌های ملی خارق‌العاده در کانادا هستید. همین که نفس عمیقی می‌کشید و بوی عطر طبیعی درختان همیشه‌سبز اطرافتان را در این منطقه خاص احساس می‌کنید، با خود می‌گویید: «چرا قبلاً به کانادا نیامده بودم؟»

اگر از سیب تازه و آبدار مکتتاش (جان مکتتاش آن را در سال ۱۸۱۱ در اونتاریو پرورش داد) خورده باشید، طعم کانادا را چشیده‌اید! حین بستن زیپ کوله‌پشتی خود، به سبب این نوآوری مدرن و جالب‌توجه از کانادا تشکر کنید. تلفن، فناوری کاربردی‌ای که الکساندر گراهام بل شهروند کانادایی در سال ۱۸۷۶ ایجاد کرد، اختراع دیگری است که همه از آن استفاده کرده‌اند. موتور برفی، استفاده از انسولین برای بیماری دیابت، و کاربرد خمیر چوب برای ساخت کاغذ روزنامه از دیگر نوآوری‌های کانادایی است که دنیا به آن وابسته است. در واقع چهل درصد روزنامه‌های جهان روی کاغذهایی چاپ می‌شوند که از صنعت چوب کانادا به دست می‌آیند.

کانادا با مساحتی در حدود ده میلیون کیلومتر مربع دومین کشور بزرگ جهان است. این کشور همچنین بخش شمالی قاره آمریکا را در بر می‌گیرد. سه اقیانوس آرام، منجمد شمالی و اطلس مجاور سواحل

کانادا هستند. در جنوب با کشور قاره‌ای ایالات متحده و در شمال غربی با ایالت آلاسکا، مرز حفاظت‌نشده‌ای به طول بیش از هشت هزار کیلومتر وجود دارد که بزرگ‌ترین مرز در جهان است. رشته‌کوه‌های کانادا، به دلیل بزرگی فوق‌العاده این کشور، به راحتی با تپه‌های دارای پستی و بلندی‌های ملایم در دشت‌های مرکزی و نیز با پوشش توندرای منطقه منجمد شمالی ادغام می‌شوند. شهرهای پرشور و حال و تاریخ آزاداندیشانه کانادا برای خوشامدگویی به مهاجران، این کشور را به خانه‌ای مطلوب برای حدود ۳۱ میلیون نفر سکنه آن تبدیل کرده است. اما این جمعیت در مقایسه با مساحت گسترده کانادا، یکی از کم‌ترین تراکم‌های جمعیتی جهان را به این کشور اختصاص می‌دهد - حدود سه نفر در هر کیلومتر مربع.

تفاوت‌های منطقه‌ای چشمگیری در مناظر طبیعی و انسانی کانادا مشهود است. تنوع محیط طبیعی کانادا از خلیج‌های کوچک و سواحل آرام سرزمین‌های مجاور اقیانوس اطلس تا علفزارهای حاصلخیز واقع در دشت‌های مرکزی کانادا مشهود است. دریاچه‌های فراوانی در پهنه سنگلاخی ناحیه «سپر کانادایی» پراکنده‌اند، جایی که تعداد حیوانات بسیار بیش از انسان‌ها (و تعداد پشه‌ها بیش از حیوانات!) است. در این هسته قاره آمریکای شمالی است که شرکت خلیج هودسون در نتیجه تجارت پوست حیوانات شکوفا شد. «خلیج» که زمانی مالک بیش از ده درصد کل سطح زمین بود، قدیمی‌ترین شرکت جهان است که همچنان به تجارت مشغول است.

اقوام گوناگونی که آرام‌آرام در مناظر متنوع سراسر کانادا پراکنده شدند، چاشنی میراث و تاریخ پر جنب و جوش این کشور به شمار می‌روند. فرهنگ‌های اولیه کانادا که به لحاظ تاریخی متشکل از جمعیت‌های بومی بودند، توانستند از موهبت‌های طبیعی فراوان کانادا بهره‌مند شوند. ماهی، نهنگ، بوفالو و دیگر انواع حیات وحش منابع بقای زندگی بودند. آبراه‌های بی‌شمار سفر را آسان و امکان دسترسی به نواحی درونی کشور و منابع بیش‌تر را مهیا می‌کرد. حدود پنج قرن پیش، غنای منابع این کشور توجه کاشفان و مهاجران اروپایی را نیز به خود جلب کرد و این شد که



مساحت کانادا به تنهایی حدود ۱۰ میلیون کیلومتر مربع است. مرز آمریکا و کانادا ۸۸۹۰ کیلومتر امتداد دارد و برخی از بخش‌های جنوبی کانادا پایین‌تر از شهرهای شمالی آمریکا قرار گرفته‌اند. سه مرز دیگر کانادا با اقیانوس‌ها احاطه شده‌اند و درون خود خشکی‌هایی دارند که از کوه‌های پوشیده از برف تا زمین‌های زراعی حاصلخیز متنوع است.

آن‌ها با کنجکاوی به آن‌جا آمدند. جستجو در این سرزمین اسرارآمیز احتمال رسیدن به گذرگاه شمال غربی را داشت که راهی مطلوب بین اروپا و بازارهای پررونق «خاوری» تلقی می‌شد. چندین قرن جستجو ارتباط آن‌ها را با بومیانی که قبلاً ساکن کانادا شده بودند بیش‌تر کرد.

تکیه بر دانش بومیان برای کاشفان اروپایی سودمند بود. اقوام بومی نقشه‌های ذهنی خود را روی تنه درختان غان، روی برف یا سطح زمین می‌کشیدند. کاشفان اولیه اروپایی اغلب این گنجینه‌های دانش را در نقشه‌ها می‌گنجانده‌اند.

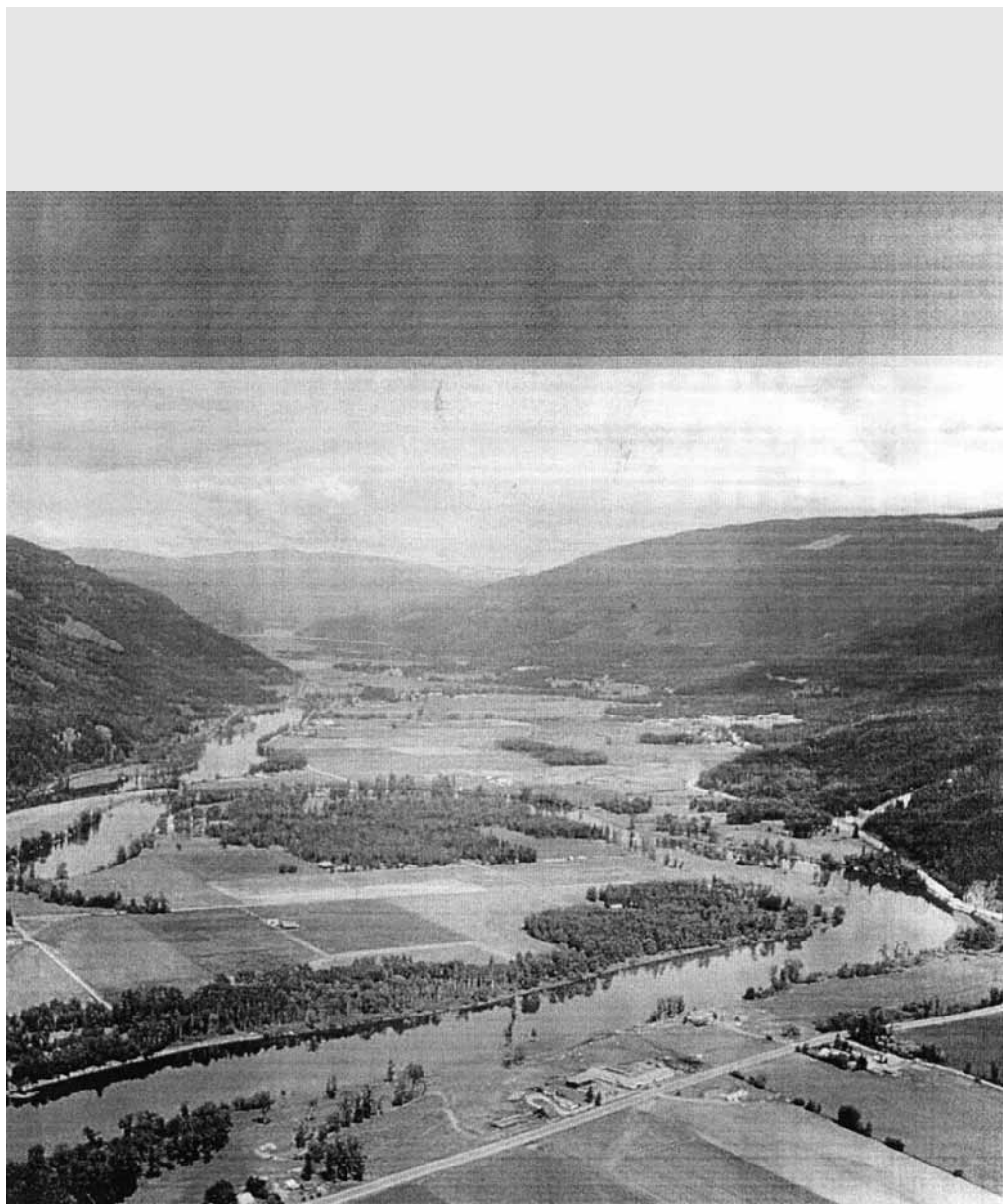
نخستین بار طی یکی از همین ملاقات‌های اروپاییان با اقوام ایروکوئی بود که نام کانادا را به کار بردند. ژاک کارتیه، کاشف فرانسوی، در باره نام سرزمینی که در سال ۱۵۳۵ نزدیک شهر کبک امروزی در حال اکتشافش بود پرسید. ایروکوئی‌ها پاسخ دادند: «کاناتا» که واژه هورونی-ایروکوئی برای «روستا» یا «محل اسکان» است. در نتیجه از سال ۱۵۴۷ در نقشه‌ها سرزمین شمال رود سنت لارنس «کانادا» نامیده شد.

چه چیزی هویت منحصر به فرد کانادایی را شکل می‌دهد؟ شما با خواندن این کتاب، از فعالیت‌های انسانی کهن در سرزمین یوکون گرفته تا پیچیدگی‌های دولت و اقتصاد، نگاهی اجمالی به هویت مشخص کانادایی خواهید انداخت. چهره‌ها و مکان‌هایی که با تنوعی خیره‌کننده به شما خوشامد می‌گویند شما را به اکتشاف این کشور دعوت می‌کنند.

ما همه در ذهن خود «نقشه‌های ذهنی» ای از محل خود داریم، یعنی همان جایی که در آن زندگی می‌کنیم. این نقشه‌ها به ما کمک می‌کنند تا مکان یا چگونگی یک جا را تعریف کنیم. جایی را که همین الآن هستید در مقایسه با خانه یا محل کار خود مجسم کنید. در راه رسیدن به آن‌ها از چه علامت‌هایی عبور می‌کنید؟ چرا آن علامت در آن‌جا قرار گرفته؟ چه غذاهایی در جامعه شما موجود است و چه غذاهایی موجود نیست؟ چرا؟ مردم چگونه لباس می‌پوشند؟ از چه نوع وسیله نقلیه‌ای استفاده می‌کنید و ترجیح می‌دهید از چه راه‌هایی عبور کنید؟ نقشه ذهنی شما حاصل تجارب و آموخته‌های شماست.

شما همچنین در بارهٔ کشوری که در آن زندگی می‌کنید نقشه‌هایی ذهنی دارید. در مورد تعطیلات عمده‌ای که در آنجا جشن می‌گیرند و نیز مقصد مورد علاقهٔ خانوادهٔ خود برای تفریح و استراحت اطلاع دارید. آگاهی در مورد کانادا با خواندن کتاب‌هایی نظیر این کتاب به ایجاد تصاویری از کانادا در ذهن شما کمک می‌کند. پرسیدن سؤالاتی مانند «چرا؟» یا «چه اهمیتی دارد؟» رنگ و لعاب بیشتری به نقشه‌های ذهنی، تصورات و برداشت‌هایتان می‌دهد. جغرافیدان‌ها حین مطالعه و مشاهدهٔ پدیده‌های اطرافشان چنین چیزهایی را از خود می‌پرسند. شما نیز می‌توانید!

نقشه ذهنی خود از کانادا را در نظر بگیرید. چه به ذهنتان می‌رسد؟ شاید رشته‌کوه‌های دندان‌دندانه، آواز دروغین مرغ غواص، علفزارهای پوشیده از چمن، گوزن قهوه‌ای که شلپ‌شلپ‌کنان در دریاچه‌های باتلاقی حرکت می‌کند، یا کوه‌های یخی به رنگ آبی روشن که آرام‌آرام حرکت می‌کنند. نقشهٔ ذهنی شما شاید شامل مرغ‌های دریایی تورنتو، فانوس‌های دریایی چشمک‌زن، یا قطرات شیرین شربت افرای طلایی هم باشد! همین که در بارهٔ کانادا می‌خوانید نقشهٔ ذهنتان دقیق‌تر و جزئیاتش واضح‌تر می‌شود. سؤالاتی به ذهن‌خاطر می‌کند. شوق گشت‌وگذار در کشور زیبایی چون کانادا شاید هدایتگر شما در این سرزمین جذاب باشد. کانادا چگونه جایی است؟ بگذارید تا تجربهٔ خواندن این کتاب و پرسیدن سؤالات جغرافیایی به تدریج پاسخ‌ها را به شما نشان دهد.



مهاجران - که از راه آهن بین قاره ای برای رسیدن به سرزمین های مرکزی و غربی استفاده می کردند - بسیاری از مزارع سرسبز کانادا را به وجود آوردند. به رغم این که تعداد مزارع در کانادا رو به کاهش گذاشته، مساحت و توان تولید مزارع یکپارچه زیاد و حتی رو به افزایش است. با ورود صنایع بیش تر به کانادا، کشاورزان نیز از فناوری جدید جهت همراهی با نیازها و گرایش های مصرف کننده بهره می برند.

چشم اندازهای طبیعی

کانادا کشوری وسیع با انواع مختلفی از مناظر چشمگیر است. محیط طبیعی یا چشم اندازها همچون سکوی نمایی هستند که فرهنگ‌های انسانی شیوه زندگی خود را روی آن اجرا می‌کنند. کانادا از این جهت بی‌نهایت خوشبخت است - نواحی سرزمینی، آب و هوا و اقلیم، اکوسیستم‌ها، ویژگی‌های آب و دیگر منابع طبیعی آن تنوع بسیاری را در سراسر کشور عرضه می‌کنند. کانادا با وجود موقعیت شمالی خود انواع شگفت‌انگیزی از ویژگی‌های طبیعی و محیط‌ها را به نمایش می‌گذارد. در حالی که بخش‌هایی از این کشور آثار سرمای شدید عرض جغرافیایی شمالی آن را منعکس می‌کنند، جنگل‌های بارانی و کاکتوس نیز در آن وجود دارد و نیز جاهایی که در آن‌ها برف به ندرت می‌بارد.

سرزمینی بزرگ و متنوع

تصور کنید در حال کایاک سواری روی رودخانه مکنزی هستید، در آب‌هایی که در مسیری پریپچ و خم به طول بیش از ۳۲۰۰ کیلومتر جریان دارد. قله‌های ناهمواری را مجسم کنید که تا ارتفاع حدود شش هزار متر سر به فلک کشیده‌اند. شدیدترین تغییرات جزرومدی جهان را به میزان کمی بیش از پانزده متر در خلیج فاندی مشاهده کنید. این‌ها را و بسیاری

دیدنی‌های طبیعی دیگر را در کانادا، دومین کشور بزرگ جهان، می‌توان یافت. کانادا با بیش از حدود ده میلیون کیلومتر مربع وسعت، فقط کمی بزرگ‌تر از ایالات متحده آمریکا است و تنها از روسیه کوچک‌تر است. در شش منطقه زمانی‌ای که کانادا در آن پراکنده شده انواع بسیاری از چشم‌اندازهای طبیعی متضاد وجود دارد. خطوط ساحلی گسترده، که بسیاری از آن‌ها دارای صخره‌های بلند هستند، در مجاورت خلیج هودسون در شمال کانادا قرار دارند. به سمت شمال و غرب خلیج هودسون که برویم، برف پهنه‌ها و کوه‌های یخی پراکنده قطب شمال تنها استثنای موجود در دشت‌های بی‌درخت توندرای کانادا هستند. در جنوب غرب، در طول اقیانوس آرام، پوشش گیاهی سبز و خرمی عمده مناظر ساحلی و کوهستانی را مفروش کرده است و در این بین دشت‌های داخلی هموار یا با پستی و بلندی کم قرار دارند.

اهمیت محیط طبیعی

بشر برای بقا متکی بر منابع طبیعی‌ای چون هوا، آب، خاک، گیاهان، حیوانات و مواد معدنی مختلف است. اما این عناصر طبیعی و ویژگی‌های آن‌ها تعیین‌کننده شیوه زندگی ساکنان طبیعت نیستند. محیط زیست یکی از عوامل بسیاری است که بر فرهنگ بشری (شیوه زندگی شامل دانش، مهارت‌ها، عقاید، ارزش‌ها و رفتارهای مردمی خاص) اثر می‌گذارد. همین جنبه بشری فرهنگ است که بر چگونگی یا امکان بهره‌برداری مردم از زمین و منابع آن به گونه‌ای خاص تأثیر دارد.

سه عنصر مهم بوم‌شناسی فرهنگی (ارتباطاتی که بین انسان‌ها و محیط طبیعی وجود دارد) قابل توجهند. نخستین عنصر این‌که چگونه مردم فرهنگی خاص (با شیوه زندگی خاص خود) با محیط زیست طبیعی‌ای که اشغال کرده‌اند سازگار می‌شوند. مثلاً آیا اکثریت مردم در تمام سال منازل دائمی دارند یا این‌که با تغییرات فصلی جابجا می‌شوند و به دنبال منابع غذایی می‌گردند؟ عنصر دوم این‌که مردم چگونه به محیط زیست می‌نگرند و از آن استفاده می‌کنند. آیا مردم معتقدند که محیط بومی باید حفظ شود یا

بهبتر است قربانی توسعه منابع و ایجاد درآمد شود؟ مردم چه درک و احساسی نسبت به زمین و منابع آن دارند و چگونه از آن استفاده می‌کنند؟ سرانجام این‌که چگونه ظاهر و سودمندی محیط با فعالیت بشری تغییر کرده است؟ بیایید تا ضمن نگاه به چشم‌اندازهای طبیعی کانادا، فکر بوم‌شناسی فرهنگی - روابط بشر و چشم‌اندازهای طبیعی - را نیز در ذهن داشته باشیم.

ویژگی‌های سرزمینی

کانادا شش منطقه اصلی دارد که هر یک به لحاظ چشم‌اندازهای طبیعی با دیگری متفاوت است. این مناطق عبارتند از: استان‌های مجاور اقیانوس اطلس، سپر کانادایی (فلات لارنسی)، دریاچه‌های بزرگ و سرزمین‌های پست سنت لارنس، دشت‌های داخلی، کوردیلرا (اقیانوس آرام) و منجمد شمالی.

استان‌های مجاور اقیانوس اطلس

نخستین بار که کاشفان و مهاجران اروپایی به کانادا رسیدند، سرزمین‌های شرقی اقیانوس اطلس را دیدند. امروزه، این منطقه شامل استان‌های نیو برانزویک، نوا اسکوتیا، جزیره پرنس ادوارد و نیوفوندلند می‌شود. این استان‌ها در امتداد شمال شرقی کوه‌های آپالاش قرار دارند که از سمت جنوب غربی تا درون ایالات متحده ادامه دارند. طی میلیون‌ها سال، اثر فرسایشی یخ، باد و آب، شیب رشته‌کوه‌های آپالاش را که زمانی تند بوده ملایم کرده است. امروزه، چهل تکه رنگارنگی شامل تپه‌ها و دره‌های حاصلخیز و پستی و بلندی‌ها با مزارع پراکنده و باغ‌های میوه در آن قرار دارد که ویژگی بخش درونی این ناحیه است. کشاورزی در دره‌های حاصلخیز رودخانه‌های سنت جان در نیو برانزویک و دره آنابولیس نوا اسکوتیا رونق دارد. چشم‌اندازهای وسیع جنگل‌ها و سواحل ناهموار و دنداندار در سراسر این منطقه به وضوح دیده می‌شود.



کانادا انواع مختلفی از چشم اندازها را در خود دارد؛ از سواحل و صخره‌های مجاور خلیج هودسون، برف پهنه‌های پراکنده قطب شمال و یخچال‌های توندرا گرفته تا پوشش گیاهی سبز و خرم کوهپایه‌های ساحلی. در این بین دشت‌های هموار یا کمی ناهموار داخلی کانادا قرار می‌گیرند.

– بجز مواقعی که مه غلیظ از دریا به سمت خشکی می‌آید تا خلیج‌ها و سواحل را بپوشاند، چنان‌که این وضعیت در بیش از دویست روز از سال در برخی محله‌های نیوفوندلند اتفاق می‌افتد.

سپر کانادایی

چشم‌انداز طبیعی سنگلاخی و پر از دریاچهٔ سپر کانادایی در غرب سواحل اقیانوس اطلس قرار دارد. دانشمندان این منطقه را، که به لحاظ زمین‌شناسی منحصربه‌فرد است، هستهٔ قارهٔ آمریکای شمالی می‌دانند. سپر کانادایی که آن را فلات لارنسی نیز می‌نامند، متشکل از کهن‌ترین سنگ بستری قاره است که میلیاردها سال پیش به وجود آمده. این فلات بیش از نیمی از مساحت کشور را می‌پوشاند و عامل جدایی طبیعی شرق و غرب کانادا است. خلیج هودسون در مرکز این فلات قرار دارد. طی عصر یخبندان، زمانی که این ناحیه را یخچال‌هایی به قطر هزاران متر پوشانده بود، بر اثر وزن بسیار زیاد تودهٔ یخ فرورفتگی عظیمی روی سطح زمین ایجاد شد. خلیج هودسون هم‌اکنون این حوضچه را اشغال کرده است. وقتی تودهٔ یخ عقب نشست، زمین شروع به بالا آمدن کرد – فرایندی که همچنان ادامه دارد. این بالا آمدن زمین است که صخره‌های ساحلی شیبدار را در طول بخشی از خلیج هودسون (و بیش‌تر ساحل شمالی دریاچهٔ سوپریور) به وجود آورده است.

این فلات منطقه‌ای، با منابع عظیم ثروت، مخزن مواد معدنی‌ای چون آهن و نیکل است. همچنین دارای پتانسیل بسیار زیاد انرژی آبی و محل یکی از بزرگ‌ترین پهنه‌های جنگلی ممتد در جهان است. به‌علاوه، دورافتادگی دریاچه‌ها، رودخانه‌ها، و حیات وحش متنوع آن از منابعی است که به لحاظ بوم‌شناختی بسیار ارزشمند است. شیارهای باقیمانده در سنگ‌ها که با پیشروی و عقب‌نشینی یخچال‌ها حفر شده‌اند، آب را در حوضچه‌ها و شکاف‌های خود جمع می‌کنند. این سپر سنگی و کهن دوران پرکامبرین با باتلاق، لجنزار، آبگیر، دریاچه و رودخانه‌هایی پوشیده شده است. با آن همه آبی که سطح زمین را فرا گرفته، هزینه

ساخت راه‌های حمل و نقل زیاد می‌شود و در نتیجه تعداد آن‌ها کم است. بیش‌تر مسافرت‌ها در این منطقه با هواپیما صورت می‌گیرد که خود آزمونی است برای سنجش مهارت و شهرت «خلبانان سرزمین‌های بکر» و هواپیماهای باری و گول‌پیکر آن‌ها که در تابستان مجهز به پل شناور و در زمستان مجهز به اسکی هستند. از آن‌جا که خاک این منطقه کم‌عمق و بی‌کیفیت و حمل و نقل زمینی بسیار دشوار است، این منطقه جمعیت خیلی کمی دارد.

دریاچه‌های بزرگ و سرزمین‌های پست سنت لارنس

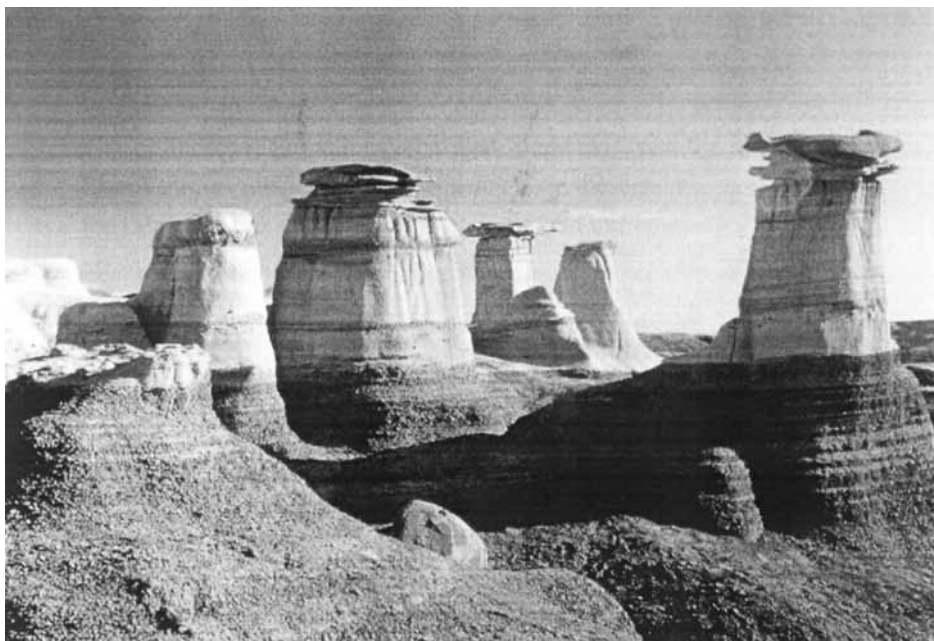
این منطقه کانادا شامل کمربند باریک جنوب اونتاریو و کبک در طول مرز کانادا و ایالات متحده است. این ناحیه نسبتاً کوچک شهرک‌ها و شهرهای بسیاری از جمله تورنتو، اوتاوا، مونترال و شهر کبک را در خود جای داده است. قسمت اعظم این منطقه جنوبی‌ترین بخش کانادا و نزدیک مرز کانادا با ایالات متحده است. مردم ساکن در این‌جا - که حدود نیمی از کل کانادایی‌ها هستند - عملاً در عرض جغرافیایی ۴۳ تا ۴۶ درجه شمالی زندگی می‌کنند. دمای معتدل‌تر، زمین‌های مسطح فراوان، خاک حاصلخیز و سهولت حمل و نقل در رودخانه سنت لارنس در آغاز مردم را جذب زندگی در این کمربند باریک کرد. زمین زراعی هموار و راحتی که زمانی مهاجران بسیاری را به این ناحیه کشاند، هنوز هم برای کشاورزی به کار می‌رود، اما بخش‌های وسیعی از مزارع به تدریج در حال تغییر کاربری از کشاورزی به شهری و صنعتی‌اند، در نتیجه تولید کشاورزی خود را از دست می‌دهند. پنج دریاچه بزرگ سیستم پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند که بزرگ‌ترین پهنه آب شیرین جهان است. بزرگ‌ترین رودخانه در شرق کانادا، سنت لارنس، آن‌ها را به اقیانوس اطلس متصل می‌کند. اثر معتدل (گرم) کننده دریاچه‌های ایری و اونتاریو روزهای دور از سرما و یخ شبه‌جزیره نیآگارا را طولانی‌تر کرده پرورش انبوه میوه‌هایی چون هلو، انگور و گلابی را ممکن می‌کند. به علاوه، آبراه‌های دریاچه‌های بزرگ و رود سنت لارنس در بیش‌تر ایام سال یخ نمی‌زنند، در نتیجه دسترسی این منطقه

درون سرزمینی را به اقیانوس اطلس و دیگر نقاط جهان، از راه سیستم متصل‌کننده رودخانه‌ها و کانال‌ها، ممکن می‌سازند. برآمدگی دیواره نیاگارا، که مرز طبیعی قابل رؤیتی است، سرزمین‌های پست زراعی را از سپر کانادایی پوشیده از جنگل در شمال جدا می‌کند.

دشت‌های داخلی

دشت‌های داخلی چمنزار گسترده نسبتاً همواری را تشکیل می‌دهند که از سمت شرق مجاور سپر کانادایی و از غرب مجاور رشته‌کوه‌های راکی در کانادا است. دریاچه باستانی آگاسیز که حدود دوازده هزار سال پیش، از آب یخچال‌های ذوب شده، به وجود آمد زمانی بیش‌تر دشت‌های داخلی به‌خصوص مانیتوبا و ساسکاچوان را می‌پوشاند. پس از «خشک شدن» این دریاچه در حدود هفت هزار سال پیش (امروزه بزرگ‌ترین پهنه آبی بر جای مانده از آگاسیز دریاچه وینیپگ است)، لایه خاک حاصلخیزی روی بستر قدیمی دریاچه برجا ماند. این خاک شالوده بخش عمده‌ای از ثروت کشاورزی مرکز کانادا را تشکیل می‌دهد. نواحی حاصلخیز تولیدکننده غلات، به‌خصوص گندم، در آلبرتا و ساسکاچوان، کانادا را به یکی از صادرکنندگان عمده غلات در جهان تبدیل کرده است. شگفت این‌که کشاورزان مزارع پراز گندم‌های طلایی را که امروزه مناظری آشنا هستند، در همین قرن گذشته ترویج دادند.

ماسه‌سنگ‌های عجیب و غریب «هودو» در جنوب آلبرتا مایه شگفتی دیگری در چشم‌انداز طبیعی این منطقه است. این ستون‌های غول‌آسا که بر اثر فرسایش باد و آب به وجود آمده‌اند، در دره رود دیر قرار دارند. فرسایش همچنین لایه‌هایی از سنگ و فسیل دایناسورها را نمایان ساخته و موجب پرده برداشتن از تراکم بالای بقایای دایناسورها در این منطقه شده است. شن‌های نفتی آتاباسکا در آلبرتا از زمان ملل نخستین (اصطلاح پسندیده برای گروه‌هایی که بین عوام به غلط به «سرخ‌پوستان» معروف شده‌اند) برای عایق‌بندی قایق‌های کانو در اواخر قرن هجدهم میلادی به کار می‌رفتند.



این ترکیبات ماسه‌سنگی را «هودو» می‌نامند. اگر از دره رود رد دیر در جنوب آلبرتا دیدن کنید، این ستون‌ها را که با آثار فرسایشی باد و آب به وجود آمده‌اند می‌بینید. فرسایش در این ناحیه همچنین شگفتی باستان‌شناختی یعنی «فسیل دایناسورها» را نمایان کرد.

کوردیلرا

ریشه اسپانیایی واژه «کوردیلرا» به معنی «برآمدگی‌های موازی» است. این منطقه که از رشته‌کوه‌های راکی کانادا آغاز می‌شود و با گسترش به غرب به اقیانوس آرام می‌رسد، منظره‌ای تماشایی را در جهت عمودی به نمایش می‌گذارد که به لحاظ طبیعی در تضاد با زیبایی مسطح و افقی دشت‌های داخلی است. رشته‌کوه‌های جوان این جا، شامل رشته‌کوه‌های ساحلی و سنت الیاس، با دیواره‌های موازی از مرزهای شمالی در دریای بوفورت در طول ساحل غربی گرفته تا جنوب به سمت غرب مکزیک امتداد دارند. هر جا که کوه‌ها به دریا می‌رسند، تعداد زیادی خور عمیق و باریک به نام فیورد یا آبدره پدید می‌آیند. یخچال‌های عصر یخبندان این

شاخابه‌های تماشایی و شیب‌دار دریا را ایجاد کرده‌اند. زمین‌لرزه مانند سایر نواحی حاشیه‌ای اقیانوس آرام، تهدید دائمی برای زمین و جان و مال مردم در غرب کانادا است. جلگه‌های مرتفع و دره‌های عمیق تنوع بیش‌تری در چشم‌انداز طبیعی ایجاد می‌کنند. افزون بر این، جنگل‌های سبز و پرباران و باغ‌های ساحلی بریتیش کلمبیا نزدیک ونکوور و ویکتوریا از مزایای قرار گرفتن در ساحل اقیانوس آرام بهره‌مند می‌شوند. با این حال، در طرف پشت به باد (طرفی که از وزش باد در امان است؛ این‌جا، دامنه شرقی) این رشته‌کوه‌ها، اثر ممانعت کوه‌کشاورزان دره اوکانوگان را به آبیاری باغستان‌ها و تاکستان‌ها مجبور می‌کند. زمانی که باد باران را به دامنه رو به باد (محافظت‌نشده) کوه می‌آورد، از آن‌جا که نمی‌تواند «از میان» کوه عبور کند، ناحیه محافظت‌شده همچنان خشک می‌ماند. این‌جا در برخی نواحی محافظت‌شده حتی کاکتوس هم می‌روید.

این دامنه‌های رشته‌کوه‌های موازی برای توسعه راه آهن و بزرگراه‌های سراسری مشکلات خاص مهندسی ایجاد کرده‌اند. عمده جمعیت این منطقه در بخش‌هایی که بیش‌تر دسترس‌پذیرند یعنی جنوب غربی بریتیش کلمبیا متصل به اقیانوس آرام و در گروه‌های جمعیتی انبوه ونکوور و ویکتوریا ساکن شده‌اند. این امر در مورد گروه‌های جمعیتی سرزمین یوکون هم صادق است که دسترسی از طرف جنوب غربی به اقیانوس آرام در آن ممکن است.

شمال قطبی

این منطقه اغلب به نواحی شمال مدار شصت درجه اطلاق می‌شود. شمال قطبی که شامل سرزمین‌های یوکون و شمال غربی و نونائوت می‌شود، حدود چهل درصد مساحت کانادا را در بر می‌گیرد. این منطقه در شمال و شرق با سپر کانادایی «همپوشانی» دارد. تنگه‌ها و خورهای کلاف پیچیده جزایر را در شمال قطبی از هم جدا می‌کنند و برای ایجاد گذرگاه دست‌نیافتنی شمال غربی - آبراهی که بسیاری از کاشفان اولیه به دنبالش بودند - به هم مرتبطشان می‌کنند.

شمال قطبی (درست فراتر از خط درختان جنگلی تایگا) منطقه‌ای

بی‌درخت دارد که توندرا نامیده می‌شود و ناحیه‌ای سرد، بایر، بادگیر و به‌ظاهر رعب‌انگیز است؛ اما این منطقه به مدت چند هزار سال منزل اقوام اینویت (اسکیمو) بوده است. لایه یخ‌بسته زمین آن در تمام سال منجمد است؛ پوشش کم‌عمق سطحی روی زمین منجمد، در ماه‌های تابستان، زمانی که روشنایی روز تقریباً دائمی است، ذوب می‌شود. با وجود این‌که فصل بدون یخ کوتاه است، آفتاب تقریباً ثابت آن گل‌های ظریف کوچک و گل‌سنگ‌ها و خزها را ترغیب به حیات و سطح زمین را مفروش می‌کند. زمین در این موقع از سال اغلب باتلاقی می‌شود - بیش‌تر سطح زمین آن‌قدر هموار است که حرکت آب را دشوار می‌کند. برفی که آب می‌شود به درون زمین یخزده نفوذ نمی‌کند و در سطح باقی می‌ماند. باتلاق‌های ناشی از سطح اسفنجی زمین «ماسکگ» نام دارند. اما زمستان‌های طولانی، تاریک و بسیار سرد خیلی زود به توندرا باز می‌گردند و زمین دوباره منجمد می‌شود. در این بین، کمی دورتر در شمال، پوشش یخی قطبی در تمام سال منجمد می‌ماند.

آب و هوا و اقلیم

آب و هوا شرایط جوی کنونی را توصیف می‌کند در حالی که اقلیم بیانگر میانگین بلندمدت الگوهای آب و هوایی هر منطقه است. آب و هوا و اقلیم گوناگون کانادا - و آثار حاصل از آن - در تنوع چشم‌اندازهای آن دیده می‌شود که از جنگل‌های سبز و مرطوب بارانی تا توندرای بادگیر و بی‌درخت؛ از صحراهای قطبی تا دشت‌های پیرآفتاب غله‌خیز؛ و از باغستان‌های خوش‌رنگ هلو تا طوفان‌های نمک‌دار متغیر است.

آب و هوا و اقلیم کانادا تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل است. این عوامل شامل عرض جغرافیایی، ارتفاع، شیب، الگوهای فشار و باد، ویژگی‌های آب و جهت‌گیری شکل طبیعی زمین می‌شود. مثلاً در ناحیه پست رودخانه‌ای وایت در اونتاریو، هوای سرد هنگام غروب آفتاب، دامنه پایینی را فرا می‌گیرد و خشک می‌کند و در آن به طور متوسط بیش از سیصد روز سال «دره‌ای منجمد» را ایجاد می‌کند.

به دلیل عرض جغرافیایی شمالی کانادا، پرتوهای آفتاب با زاویه‌ای بسته به سطح زمین می‌تابد و منجر به پدید آمدن زمستان‌هایی طولانی و سرد و تابستان‌هایی کوتاه و گرم (نه داغ) می‌شود. ارتفاع نیز تأثیر زیادی در اقلیم و آب و هوای کانادا دارد، مثلاً مقدار و دفعات بارندگی در ارتفاعات بالاتر، در دامنه‌ی رو به باد (محافظت‌نشده) رشته کوه‌ها، بیش‌تر است. این امر در منطقه کوردیلرای کانادا، که رشته کوه‌ها مانع ورود هوای پررطوبت اقیانوس آرام به درون نواحی داخلی کانادا می‌شوند، مشهودتر است. گرچه توده‌ی هوا از فراز این رشته کوه‌ها عبور می‌کند، بیش‌تر رطوبت آن تا زمانی که به آلبرتا برسد تبخیر می‌شود. دما هم با افزایش ارتفاع کاهش می‌یابد که موجب پدید آمدن آب و هوای سردتر در کوهستان‌ها و به وجود آمدن اماکن تفریحی جذاب تابستانی می‌شود. این امر همچنین نشان می‌دهد که چرا بسیاری از قله‌ها در تمام سال پوشیده از برف (یا یخچال) هستند.

هموار بودن و گستردگی چمنزارهای کانادا این ناحیه را در معرض هجوم بادهای سرد قطبی در زمستان و بادهای گرم و خشک جنوبی در تابستان قرار می‌دهد. اما بادهای چینوک (بادهای گرم و خشکی که بر اثر فشرده شدن هوا در نتیجه پایین آمدن باد از دامنه شرقی رشته کوه‌های راکی پدید می‌آیند) می‌توانند این حالت آسیب‌پذیری را برای مدت کوتاهی تغییر دهند.

اگر به یاد داشته باشید، سپر کانادایی نعلبکی شکل با خلیج هودسون در وسط آن مشرف بر مرکز کانادا است. به‌رغم ناهمواری باتلاق‌ها، دریاچه‌ها، و بیرون‌زدگی صخره‌ها، جریان هوا به‌ندرت تحت تأثیر چشم‌انداز کلی این سپر قرار می‌گیرد.

پهنه‌های آبی گسترده‌تر همچون دریاچه‌های بزرگ تأثیر عمیقی روی اقلیم منطقه دارند. آب دیرتر از خاک گرم می‌شود و زمانی که گرما را جذب کند مدت بیش‌تری آن را نگه می‌دارد. در نتیجه این دریاچه‌ها اثر معتدل‌کننده‌ای روی اقلیم جنوب و شرق کانادا دارند و آن مناطق را کمی گرم‌تر نگه می‌دارند.

منطقه ساحلی اقیانوس آرام به‌طور کلی گرم و مرطوب است. بادهای



کوه تاپر در پارک ملی گلاسیر (یخچال) قله‌ای خوش‌منظره و پوشیده از برف است. هوای ارتفاعات بسیار بلند رشته‌کوه‌های راکی کانادا سردتر می‌ماند و برخی قله‌ها در تمام سال پوشیده از برف هستند.

دائمی غربی بر سطح آب‌های گرم اقیانوس آرام می‌وزند و رطوبت و گرما را با خود به خشکی می‌آورند. با این حال، استان‌های مجاور اقیانوس اطلس بادهای دائمی غربی را از بخش درونی قاره دریافت می‌کنند. وقتی بادهای از سمت شرق به ساحل می‌رسند، از روی آب‌های خیلی سرد جریان لابرادور عبور کرده‌اند. این جریان از منطقه قطبی شمال حرکت می‌کند و دمای پایین و رطوبت بالا را با خود می‌آورد - شرایطی که دست به دست هم می‌دهند تا آب و هوایی بسیار سرد ایجاد کنند.

اقیانوس منجمد شمالی در منطقه قطبی شمال کانادا با توده‌های عظیم یخ‌های شناور در آن کمک‌چندانی در جهت تعدیل سرما نمی‌کند اما گرمایی که از درون یخ منتقل می‌شود، از رسیدن دماهای زمستانی به دمای شدیداً سردی که اغلب در سطح زمین اتفاق می‌افتد جلوگیری می‌کند. طی ماه‌های «گرم‌تر»، از ژوئن تا اوت، مه یخ و «بخار دریا» روی شکاف‌های توده یخ تشکیل می‌شود.

تغییرات دما از یک ناحیه به ناحیه‌ای دیگر بسیار زیاد است. میانگین تغییرات سالانه دما با کسر میانگین دمای سردترین ماه از میانگین دمای گرم‌ترین ماه محاسبه می‌شود. مثلاً، اختلاف تغییرات سالانه دما در مرکز سرزمین‌های شمال غربی ۵۸ درجه سانتیگراد است، اما تغییرات سالانه دما در ساحل اقیانوس آرام ۲۸ درجه سانتیگراد است. تغییرات معمول سالانه دما در استان‌های دارای چمنزارهای هموار ۵۳ درجه سانتیگراد، برای دریاچه‌های بزرگ - منطقه آبراه سنت لارنس - ۴۸ درجه سانتیگراد و برای مناطق ساحلی اقیانوس اطلس ۴۱ درجه سانتیگراد است (به یاد داشته باشید که این ارقام تغییرات دما هستند، نه میانگین دما).

بیش‌ترین میزان بارندگی (رطوبتی که به صورت باران، تگرگ، برفابه، یا برف به زمین می‌رسد) در ساحل اقیانوس آرام در بریتیش کلمبیاست. در این ناحیه سطح بارندگی سالانه ممکن است از ۲۲۹۰ میلیمتر فراتر رود، در حالی که در جنوب شرقی آلبرتا این سطح به‌ندرت به ۳۸۰ میلیمتر می‌رسد. میزان بارندگی کشور هم به لحاظ مکان جغرافیایی و هم از نظر زمانی به طور نامساوی توزیع شده است. همان‌گونه که از شرایط خشک مناطق کم‌باران، صحراهای قطبی و واحه‌های بیابان نزدیک اوسویوس، در بریتیش کلمبیا نزدیک مرز با ایالت واشینگتن آمریکا، پیداست.

کانادا علاوه بر برخورداری از بارندگی و آفتاب، در معرض بادهایی است که شدت و دما و رطوبت مختلفی دارند. داستان‌های اقوام اولیه پر

از نمونه‌های بسیار و گوناگونی از بادهای محلی است. بعضی اسامی برگرفته از مبدأ یا مقصد بادها هستند، برخی سردی و گرمی هوا را توصیف می‌کنند، در حالی که بعضی دیگر بیانگر دوران‌های خوش یا دشوارند. در یک نمونه، باد قوی به «آرایشگری» تشبیه شده که به محض خیس کردن موی شما، آب روی موهایتان منجمد می‌شود! کانادا همچنین دچار طوفان تندری، گردباد، کولاک، و طوفان‌های شدید فصلی است. بنابراین شاید بهتر باشد که از اقلیم‌های کشور پهناوری چون کانادا صحبت کنیم.

پوشش گیاهی و حیات وحش

اگر از شما بخواهند یک نوع درخت را که در کانادا یافت می‌شود نام ببرید، پاسخ شما چیست؟ افرای قندی؟ صنوبر؟ درخت لاله؟ توسکا؟ هر کدام از این درختان را نام ببرید درست گفته‌اید. جنگل‌های همیشه‌سبز نیمه شمالی برای قطع درختان و تهیه خمیر کاغذ مناسبند. افرای قندی که در جنوب شرقی کانادا یافت می‌شود از منابع اصلی ساخت مبلمان زیبا و تهیه شربت افراست و عکاسی از برگ‌های سرخ‌فام آن در پاییز بسیار طرفدار دارد. پوشش درهم چمنزار (علف‌های کوتاه و بلند) دشت‌های داخلی در تضاد با شرایط جنگل‌های همیشه‌سبز مناطق خنک‌تر و مرطوب‌تر نیمه شمالی است. نزدیک یخ پهنه قطبی، پوشش گیاهی ناچیز است یا اصلاً وجود ندارد.

در میان این نواحی گیاهی، پستانداران زیادی چون گوزن عظیم‌الجثه موس، گوزن معمولی و مینک (خز) زندگی می‌کنند. دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و جریان‌های آبی زیستگاه‌های مفرحی برای بیدسترهای بی‌خیال، مرغان غواص آوازخوان و غازهای کانادایی فراهم می‌کنند. خرس‌های قطبی، گوزن‌های کانادایی کاریبو با سُم‌های یخ‌شکن مانند و باقره‌های کانادایی در محیط قطبی خود احساس آسودگی کامل دارند. و اما ما کاروها، فک‌های خردار، نهنگ‌های سفید و ماهی‌های آزاد هم در زیستگاه‌های آبی خود در شمال فراوانند.



آبراه‌های فراوان کانادا - دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و نهرها - و نواحی گیاهی اطراف آن‌ها سکونتگاه انواع مختلفی از حیات وحش است. کانادا به دلیل داشتن پستانداران ساکن خشکی چون گوزن موس، گوزن معمولی و مینک شهرت دارد. به علاوه، بیدستر، مرغ غواص و غازهای کانادایی در بسیاری نواحی یافت می‌شوند.

ویژگی‌های آب و خاک

منطقهٔ گراند بَنکز (کرانه‌های بزرگ) یا همان سکوی قاره‌ای زیر آب کم‌عمق و دور از سواحل نیوفوندلند را به دلیل منابع آن «ویت فیلدز» [به معنای «گندمزار»] می‌نامند. آب‌های سرد شمالی از لابرادور با جریان‌های گرم‌تر جنوبی مخلوط می‌شوند و یکی از غنی‌ترین مناطق ماهیگیری جهان را ایجاد می‌کنند. اما حتی بزرگ‌ترین جمعیت‌های ماهی نیز آسیب‌پذیرند. ماهیگیری بیش از حد مجاز در سال‌های اخیر موجب کاهش شدید ذخیرهٔ ماهیان شده است. اهالی نیوفوندلند دوباره به نواحی زیر دریا علاقه‌مند شده‌اند زیرا اخیراً در آن‌جا نفت کشف شده است.

از نخستین دوران سکونت اروپاییان، رود سنت لارنس حلقه اصلی اتصال‌دهنده کانادایی‌ها به آب‌های جهانی بوده است. این رود همچنین منبع مهم انرژی برقی (الکتریسیته تولید شده به کمک آب جاری) برای جمعیت رو به رشد کانادا است. انرژی برقی آبشار نیاگارا، که در قرن گذشته مهار شد، به همان میزان که صنعت گردشگری را تقویت می‌کند، انرژی منازل و کارخانه‌ها را نیز تأمین می‌کند. نهرها و رودخانه‌هایی را که در خلیج هودسون جریان دارند نیز می‌توان به فهرست تولیدکنندگان انرژی برقی اضافه کرد.

رود فریزر در بریتیش کلمبیا برای بازگشت انواع گونه‌های ماهی آزاد از دریا به رودخانه شاهرگی حیاتی است. دهانه این رود لانه بسیاری از انواع پرندگان آبی است و مهاجرت مرغان راپتور نیز اهمیت رود فریزر را نشان می‌دهد. منابع آبی کانادا - رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، خلیج‌ها و اقیانوس‌ها - منبع تغذیه انسان‌ها و بسیاری از موجودات زنده دیگر هستند.

استان‌های دارای چمنزار در کانادا و نیز سرچشمه‌ها و دره رودها در جنوب غربی و شرقی عموماً خاک‌های حاصلخیز دارند. شاید یکی از خاک‌های درخور توجه خاک سرخی باشد که در جزیره پرنس ادوارد یافت می‌شود. رنگ سرخ آن به دلیل وجود اکسید آهنی است که در معرض هوا «زنگ می‌زند».

منابع معدنی

چهل درصد مواد معدنی کانادا در سپر کانادایی قرار دارد. نیکل، آهن، اورانیوم، نقره، روی، کوبالت، مس و طلا در این منطقه استخراج می‌شود. بسیاری از منابع به دلیل دشواری دسترسی به آن‌ها بهره‌برداری نمی‌شوند. در حقیقت، به نظر می‌آید که بسیاری از ذخایر آن هنوز کشف نشده باشند. بعضی از این مواد معدنی در سرزمین‌های قطبی شمال نیز یافت می‌شوند. به علاوه، منابع تجدیدناپذیری چون نفت و گاز طبیعی در استان‌های غربی دارای چمنزار و نیز در شمال فراوانند.

واژه یوکون، که در زبان بومیان به معنی «عظیم‌ترین» است، حجم منابع طبیعی‌ای را که عمدتاً در این سرزمین استخراج نشده باقی مانده است بهتر توصیف می‌کند. کشف طلا در یوکون موجب به راه افتادن هجوم مشهور کلندایک در سال ۱۸۹۷ برای یافتن طلا شد و مرز دیگری برای مهاجرت وسیع گشود. شاید معدن الماسی که به تازگی در سرزمین‌های شمال غربی کشف شده در آینده تا پنج درصد ذخیره این سنگ قیمتی را در جهان تأمین کند. زغال سنگ، سیلیس (در ساخت شیشه به کار می‌رود) و منگنز از نمونه‌های دیگر منابع معدنی هستند که از پوسته زمین در کانادا استخراج می‌شوند.

نگرانی‌های زیست‌محیطی

وضعیت محیط زیست از نگرانی‌های اصلی در سراسر جهان است. کانادایی‌ها با درک وابستگی خود به محیط زیست و منابع طبیعی آن، در حال تلاش برای رفع نگرانی‌های زیست‌محیطی خود هستند. تجدیدنظر اخیر بر قانون حفاظت از محیط زیست کانادا به نوعی تمرکز کردن است بر کاهش و ممانعت از آلودگی‌ای که نتیجه به دست آوردن انرژی و مصرف آن است. منابع تجدیدپذیر انرژی چون انرژی برقی و انرژی باد به طور فزاینده‌ای مورد توجهند. آب‌گرفتگی مناطق مهم بوم‌شناختی که در نتیجه ساخت سدها ایجاد شده‌اند و نیز از دست دادن سریع زمین‌های کشاورزی در برابر گسترش نامنظم شهرها همچنان از نگرانی‌های سلامت محیط زیست کانادا هستند. کانادایی‌ها برای حفاظت از محیط زیست نسل‌های کنونی و آینده تلاش می‌کنند.